

"منادی بقا از عرش عما ندا فرمود که ای منتظران وادی صبر و وفا و ای عاشقان هوای قرب و بقا، غلام روحانی که در کنائز عصمت ربّانی مستور بود، به طراز یزدانی و جمال سبحانی از مشرق صمدانی چون شمس حقیقی و روح قدّمی طالع شد" (لوح مبارک غلام الخلد نازل از قلم اعلی)

## برنامهٔ احتفال لیلۀ بعثت حضرت ربّ اعلی

بخش اول - آثار مبارکه دربارهٔ بعثت حضرت اعلی

- ۱- مناجات شروع (قسمتی از لوح مبارک ناقوس)
- ۲- عبارت "سبحانک یا هو" (۵ مرتبه)
- ۳- لوح مبارک جمال قدم
- ۴- بیان مبارک حضرت ربّ اعلی
- ۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
- ۶- خطابهٔ مبارک حضرت عبدالبهاء

بخش دوم - مطالب متنوعه

- ۷- ظهور حضرت اعلی تدریجی بود
- ۸- مقام حضرت ربّ اعلی
- ۹- لیلۀ بعثت (شعر)
- ۱۰- جلوهٔ ظهور مبشّر اعظم در انفس
- ۱۱- به جمع عاشقان پیوند
- ۱۲- جلوهٔ ظهور مبشّر اعظم در آفاق
- ۱۳- برنامهٔ نونهالان و نوجوانان
- ۱۴- مناجات خاتمه
- ۱۵- تنفّس و پذیرایی

هو العزیز

یا راهبَ الأُحدیةِ اضربِ علی الناقوسِ بما ظَهَرَ یومُ اللهِ و استوی جمالُ العزّ علی عرشِ قدسٍ منیر. سبحانک یا هو یا مَنْ هُوَ هُوَ یا مَنْ لیسَ أحدٌ إلا هو. یا هودَ الحکمِ اضربِ علی الناقورِ بِاسْمِ اللهِ العزیزِ الکریمِ بما استقرَّ هیکلُ القدسِ علی کرسیِّ عزّ منیع. سبحانک یا هو یا مَنْ هُوَ هُوَ یا مَنْ لیسَ أحدٌ إلا هو. یا طلعةَ البقاءِ اضربِ بأناملِ الرّوحِ علی ربابِ قدسٍ بدیعِ بما ظَهَرَ جمالُ الهویةِ فی رداءِ حریرِ لمیع. سبحانک یا هو یا مَنْ هُوَ هُوَ یا مَنْ لیسَ أحدٌ إلا هو. یا ملکَ النورِ انفخِ فی الصّورِ فی هذا الظهورِ بما ركبَ حرفَ الهاءِ بحرفِ عزّ قدیم، سبحانک یا هو، یا مَنْ هُوَ هُوَ یا مَنْ لیسَ أحدٌ إلا هو.

ظهور حضرت اعلیٰ تدریجی بود

جمال مبارک می فرمایند، "حضرت اعلیٰ نظر به ضعف عباد در اول ظهور در بیانات مدارا نموده اند و به حکمت تکلم فرموده اند چنانچه در مقامی می فرمایند که اگر کسی نسبت نبوت یا ولایت یا فوق آن یا شبه آن به این عبد راجع نماید، از مفترین است و انا برئ منه. امثال این مضامین در بیانات آن حضرت بسیار است. حتی در مقامی می فرمایند اگر کسی باییت مخصوصه منصوصه به من نسبت دهد افترا گفته و بعد جمیع این مراتب را در مقام خود ذکر فرموده اند. مثل آن که می فرمایند این همان نقطه فرقان است که در این کور به نقطه بیان ظاهر. این مقام نبوت. و در مقام ولایت می فرمایند اننی انا قائم الحق الذی انتم بظهوره توعدون. و در مقامی نفی جمیع این مراتب را فرموده اند و به مقامات دیگر ناطق شده اند چنانچه نزد صاحبان بصر حقیقی معلوم و واضح است و در مقامی می فرمایند اگر ناس ضعیف نبودند ذکر مشیت نمی شد.

ادعای باییت حضرت اعلیٰ روح ما سوا فداه مدلل و مظهر شئون ناس بوده و هست. در یک مقام باییت مخصوصه را هم از خود نفی فرموده اند؛ چه که کل در وادی ظنون و اوهام واقف و قادر بر ادراک اشراقات آفتاب یقین نه، الا من شاء الله"

## لوح مبارک جمال قدم

به نام گویای دانا      عندلیب قدسی از گلزار الهی قصد جهان فانی نمود و روزی چند بر شاخسار روزگار به آوازه‌های جانبخش موزون مغرّد و مترنّم و بعد به مقصد اقصی پرواز نمود. إِنَّه يعلمُ مرجعه و مبدئه و مقصده، إِنَّه لَهُوَ العليم الخبير. و آن آوازه‌ها و نغمه‌ها امین را اطمینان بخشید و بر خوف خائن افزود. لذا سیف به میان آمد و اضطراب همه قبائل را اخذ نمود و اکثری از نفوس که به افق اعلی توجّه نمودند به شهادت فائز شدند و سمّ کشنده را چون شهد روح‌بخش در سبیل دوست آشامیدند و چون نیر آفاق افق عراق را منور نمود، ندایی از سمتی بلند نه و حرکتی از جسدی ظاهر نه. جمیع مُرده و یا زنده پُزمرده مشاهده می‌شدند و از سطوت آیام و قهر انام در خلف استار مستور بودند. چون این امور مشاهده شد بر امر قیام نمودیم، قیامی که قعود آن را اخذ نمود و چون به قوّه الهیه ذکر اعظم بر اعلی مقام عالم مرتفع شد، طنین ذباب از خلف حجاب ظاهر. إِنَّ رَبَّک يعرفُ ما وَرَدَ علی هیکلِ الأمرِ من جنودِ الظالمین. انشاءالله باید در کلّ احوال کمال سعی را مبذول دارند شاید نفوس ضعیفه از ریح استقامت بیاشامند و به افق اعلی توجّه نمایند.

## بیان مبارک حضرت ربّ اعلی

بدان که خداوند عالم کسی را منتخَب از برای حفظ دین حجّه خود فرموده و حجّت‌های وافیه و براهین قاطعه برید او جاری فرموده که در اعجمیین نشو و نما نموده و در این آثار حقّه نزد احدی تعلیم نگرفته؛ بل امّی صرف بوده در مثل این آثار و تا حال مشاهده نشده که کسی در عجم نشو و نما نماید و ممکن نیست بعد از این که قدرت داشته باشد به این نوع از کلمات، که بُلغا از فُصحا و حُکما از عُرفا اظهار عجز و عدم علم به ظواهر معانی آنها نموده‌اند و حال آن که حروف بیست و نه گانه به یدِ علماء بوده و هست و این نِهَج بدیع برید احدی جاری نگشته و ممکن نیست هر گاه عالمی قلم دست گرفت و بدون اخذ از کتاب الله بر فطرت آیاتی نوشت ظاهر می‌شود که امر به غایت عظیم و صعب است و در حق احدی ممکن نیست إِلَّا من شاء الله و از آنجائی که قدرت کامله خداوندی تامّ است سوای این آیه عظمی و حجّه کبری شعون لاهوتیه عجیبه به صاحب این نفس عطا فرموده که هر ذی روحی یقین نماید که این آیات به غیر اذن خداوندی در حقّ احدی ممکن نیست. مثل این که در عرض دوازده ساعت یک صحیفه محکمه بلا تأمل از قلم آن جاری می‌گردد. کدام حجّه از این عظیم‌تر است که انسان به مقام روح مناجات که مقام انس با محبوب است رسیده باشد... (صحیفه عدلیه)

قسمتی از خطابه حضرت عبدالبهاء

در آفتاب ملاحظه نمایید که چون صبح طالع می شود، قیامت کائنات ارضی است. زیرا جمیع ارض به اهتزاز آید و اسرار جمیع کائنات از حیز غیب به حیز شهود آید و آنچه در کمون ارض است ظاهر و آشکار گردد و آنچه در غیب اشجار است نمودار شود. ولکن جمیع کائنات با وجودی که به این فیض آفتاب حشر و نشر می شوند و وجودشان از اشراق و طلوع آفتاب است، معدلک از این فیض بی خبرند مگر کائنات حیّه که زنده هستند. کائنات حیّه ملتفت می شوند که آفتاب طلوع کرده. لهدا بدایت این یوم مبارک بدایت قیامت است. نفوسی که حیات ابدیه داشتند ادراک و احساس کردند که امروز حکم خمسین الف سنه دارد. امروز روزی است که آسمان منظوی شد. امروز روزی است که آفتاب بر هم پیچیده گشت. امروز روزی است که قمر منشق شد. امروز روزی است که ستاره ها منتشر شد. امروز روزی است که جبال سیر و حرکت کرد. امروز روزی است که اموات از قبور بیرون آمد. حشر شد، نشر گردید، میزان منصوب شد، صراط ممدود گشت، اسرار ارضی ظاهر و هویدا گردید، ابواب جنّت مفتوح شد، شعله جحیم برافروخت. اینها جمیع علائم یوم قیامت است. حضرت اعلی می فرماید که در یک دقیقه این وقایع واقع گشت. در طُرْفَةُ الْعِیْنِیِ خمسین الف سنه منقضی شد و جمیع این وقایع ظاهر گشت. زیرا اینها وقایع معنویه است نه وقایع جسمانیه. (عهد اعلی، ص ۶۸)

لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

هو الله

ای مهتدی به صبح هدی فجر ساطع چون از افق شیراز بارقه اش منتشر گشت، بشارت عظمی بود و کوکب موهبت کبری. پرتوش افق حقیقت را روشن نمود، ولی در آن موطن مألوف چنان که باید و شاید این موهبت تا حال جلوه نمود. هرچند آن شعاع لامع دیده بعضی از اهل آن اقلیم را روشن نمود، اما چنان که سزاوار است تا به حال حاصل نشد. سبحان الله باختر به پرتو آن سرور غبطه آسمان گردید، ولی خاور هنوز به این فیض اعظم، منور كما هو حقّه نگردیده. پس ای مهتدی به نور هدی همّتی فرما که آن اقلیم رشک خلد برین گردد و مرآت مرتسم از صور علین شود. سزاوار چنین است که آن موطن آفتاب انور، مشرق هدایت کبری شود و مطلع موهبت عظمی. و علیک التّحیّة و التّناء ع

## مقام حضرت ربّ اعلیٰ / نصرت الله محمدحسینی

در الواح جمال ابهی مقامات عالیّه حضرت باب صدها بار توضیح و تجلیل و تصریح گردیده است. از جمله در کتاب بدیع آن حضرت را ربّ الاعلیٰ، سدره المنتهی، روح البهاء، سرّ الاعظم، مظهر القدم، ربّ الافخم، جمال الاحدیّه، مظهر الهویّه و مطلع الصّمدیّه و در لوح مبارک احمد "سلطان الرّسل" توصیف فرموده‌اند. حضرت عبدالبهاء ظهور حضرت باب را به تصریح "ظهور کلّی مستقلّ" فرموده‌اند، قوله الأعلیٰ: "ظهور کلّی مستقلّ به جمال مبارک ابهی و حضرت اعلیٰ، مبشّر جمال مبارک، روحی لهما الفداء منتهی شد." بیان حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا در خصوص مقام حضرت باب و جمال ابهی فصل الخطاب است: "بر اساس عقائد اهل بهاء ... حضرت اعلیٰ مظهر وحدانیّت و فردانیّت الهیّه و مبشّر جمال قدم، حضرت جمال ابهی... مظهر کلیّه الهیّه و مطلع حقیقت مقدّسه ربّانیّه..." در این بیان مبارک دو مقام مظهریت و مبشّریت حضرت باب تصریح گشته است. حضرت باب در آثار مبارکه حضرتشان بدین مقام تبشیر اشارت فرموده‌اند. حتّی در کتاب قیوم الاسماء (سوره نود و هشتم)، نخستین اثر نازل پس از اظهار امر، با عبارت "وَأُبَشِّرُهُم بِالْإِسْمِ الْأَعْظَمِ" تبشیر به ظهور جمال اقدس ابهی می‌فرمایند. باید توجه داشت که به تصریح حضرت ولیّ امرالله، عظمت ظهور حضرت باب ابتدا در استقلال مظهریت و رسالت ایشان است نه در مقام مبشّریت ظهور حضرت بهاءالله. به هر حال، این که مبشّر خاصّ ظهور جمال اقدس، خود مظهر مستقلّ الهی است، به استناد بیان حضرت ولیّ امرالله، خصیصه‌ای است که در ادیان گذشته نظیر نداشته است. بدین اعتبار، حضرت یحییٰ تعمید دهنده (مبشّر حضرت مسیح) مظهر مستقلّ الهی نبوده‌اند. همچنین باید توجه داشت که به تصریح جمال ابهی، احدی از راز استقلال دو ظهور کاملاً قریب و مرتبط حضرتشان و حضرت باب آنچنان که باید و شاید آگاه نیست.

اگرچه ظهور حضرت باب طلوع مظهریت مستقلّه الهیّه است، ولی به جهاتی در مفهوم خاصّ، ظهور آن حضرت و جمال اقدس ابهی ظهور واحد بوده است. حضرت عبدالبهاء در این خصوص می‌فرمایند، "... با وجود ... تعدّد به حسب ظاهر، باز حقیقت واحده بودند..." حضرت ولیّ امرالله نیز بدین نکته مهمّه اشاره فرموده‌اند با تصریح بر این که ظهور حضرت باب ظهور مقدّماتی امر حضرت بهاءالله بوده است. این است که جمال ابهی در آثار مبارکه حضرتشان از حضرت باب، از جمله، به عنوان "اسم اوّل" و "ظهور اوّل" یاد فرموده‌اند.

(نقل قسمتی از مقاله دکتر محمدحسینی از پیام بهائی، شماره ۱۷۵)

## جلوه ظهور مبشر اعظم در انفس / دکتر محمد افنان

ذیلاً مواردی از تأثیرات انفسی ظهور حضرت نقطه اولی ذکر می‌شود. امید آن که اهل علم و کمال در تکمیل و بیان دقائق آن تحقیقات تازه فرمایند و افاضات بدیعی عرضه نمایند:

- ۱- ایجاد تفاهم و تعاضد بین علوم ظاهری و معارف روحانی کتب آسمانی به مدد تبیین و تأویل حقائق رمزی ادیان الهی و حلّ متشابهات کتب مقدّسه؛
- ۲- تسهیل ادراک حقائق عالم وجود (توافق و تطابق علم و دین) به کمک ایجاد آشتی و ارتباط بین شرع، فلسفه و عرفان یا به عبارت دیگر اصول اعتقادی نظری، احکام اجرائی و اخلاقی و سلوک عملی یا به عبارت دیگر رفع اختلافات ارباب علوم نظری که به عنوان شریعت و طریقت و حقیقت و امثال آن ردّ یکدیگر می‌نمودند.
- ۳- اقبال علمای دین و صاحبان شأن و کمال در مقایسه با مؤمنان ادیان گذشته که عموماً از طبقات محروم و عادی اجتماع بودند.
- ۴- استقامت و فداکاری جمع کثیری از اهل ایمان از هر سنّ و گروه و اقبال هزاران هزار از طبقات مختلف اجتماع. مقایسه تعداد مؤمنان در هنگام صلیب حضرت مسیح و زمان شهادت حضرت نقطه اولی و اظهار ایمان و اطاعت جناب انیس زنوزی با تردید و نگرانی پطرس حواری در هنگام وقوع شهادت قابل توجه و بررسی است.
- ۵- انجذاب و اشتعال روحانی افراد خاندان مظهر ظهور و تأثیر انفسی در آنان، ایمان و جانفشانی حاجی میرزا سید علی خال و عناد ابوالهب عبدالعزّی ابن عبدالمطلب عموی رسول اکرم دو شاهد گویا و بارز است.

## جلوه ظهور مبشر اعظم در آفاق / دکتر محمد افنان

از نظر تأثیر آفاقی ظهور، نکات زیر حائز اهمیت است:

- ۱- ترقی و توسعه علوم تجربی به وضعی بی سابقه و حیرت انگیز و وفور و تنوع اختراعات و اکتشافات به نحوی که در ظرف یکصد و پنجاه سال اخیر جهان صورتی جدید و کیفیتی بدیع یافته است.
- ۲- توسعه ارتباطات به کیفیتی که حدود و فواصل بین ممالک و ملت‌ها عملاً از بین رفته است و وحدت جهان تحقق یافته است. حضرت نقطه تعمیم وسائل ارتباطی و همچنین صنعت چاپ را نظر به این که وسیله انتشار کلام و آثار الهی است تشویق فرموده‌اند و آثار کلمه خلاقه الهی مقدمات چنین تحوّل و پیشرفتی را که در کمون علم مکنون بود در آفاق ظاهر فرموده است و وسائل الکترونیکی انقلاب بی سابقه در وسائل ارتباطی به وجود آورده است.
- ۳- اگرچه در شریعت بیان به صراحت ذکری از تساوی حقوق زن و مرد نیست، اما عنایت و عطوفت حضرت نقطه اولی در حق نسوان به درجه‌ای است که مقدمات احراز مقام شایسته برای زنان از آثار و تأثیرات آفاقی آن است.
- ۴- اگرچه انتظار منجی و هادی جهانی در بین عموم اهل ادیان مطلبی مشترک بوده، اما قرب ظهور حضرتش چنان هیجانی در عالم ایجاد کرد که از هر گوشه و کنار نفوس مختلفی از صاحب نظران تا افراد ساده که دلی پاک و روانی تابناک داشتند به ظهور موعود بشارت دادند و خود و دیگران را آماده یوم معهود نمودند.

### شعر لیلۃ بعثت / صدیق عمایی

کرده شیراز به جنّات ارم، ناز امشب  
بابِ بابِ اَحَدی، مَهَبَطِ فیضِ صمدی  
روحِ قدسی الهی ز حرمِ خانه غیب  
شد به شیراز بشیر از آب و ابن آن که نمود  
نفخه صور که خود زنده کند اهل قبور  
مُطَرِبِ عشق که زد نغمه شادی و طرب  
حشر و نشر است بپا، صالح و طالح معلوم  
سوخت بی پرده درین بزم لقا پرده صبر  
همه از باده‌ات، ای طلعتِ اعلی، سرمست  
(آهنگ بدیع، شماره ۱۷۶، مهرماه ۱۳۴۰)

زان که بشکفت گل راز به شیراز امشب  
چیده از جنّت موعود، گل راز امشب  
شد به خلوتگه دیدار به پرواز امشب  
بر رخ منتظران باب لقا باز امشب  
همره محشر عظمی شود آغاز امشب  
با همه خلوتیان گشته هم آواز امشب  
نور بر نار شود برتر و ممتاز امشب  
تا ز رخ پرده کشید آن بت طناز امشب  
دل صدیق به رازت شده دمساز امشب

به جمع عاشقان پیوند / فرهمند مقبلین (الهام)

زدودِ جهل و ظلمت صحنِ گیتی کافرستان بود

غرور و ظلم و بی دینی، بلای جان انسان بود

شب تاریک و بی فردای ایران بود.

در آن بیهوده شب، از فضل ربّ نگاه

فروغی جاودان، از خاوران تابید،

جهان خاک روشن شد، بیابان رشک گلشن شد

هیولای ستم از شهر غم کوچید گل عشق از زمین قلب‌ها، بار دگر روئید

جهان پُرگشت از نامی، که از حق داشت پیغامی

همایون نقطهٔ اولی، مبارک حضرت اعلی

همان شاهِ رُسل، آن قائم موعود همان مهدی، دلآرا طلعتِ معبود

ملائک صورتی، عیسی دمی، شاهانه رفتاری

صفا آئین جوانی، آیتی، فرخنده گفتاری

ز کلک اطهرش جاری، به هر دم بحر بی پایان

ز سیمای پرانوارش، نمایان قره یزدان

ز فوج قدسیان و نخبه پاکان خدای دادگر گنجینه‌ای آراست

که تا این آسمان بریاست، از او آفاق پرغوغاست

هم‌اکنون بر فراز کرمل، این کوه خدا پیداست

نشانی جاودان از او، فریبا معبدی، جانانه درگاهی

به شهر آرزو دروازه‌ای، سوی جنان راهی

آلا ای رهگذر، مگذر چنین بیگانه زین درگاه پس از یک عمر اشک و آه

در این اعجاز ایزد، لحظه‌ای، لختی تفکر کن

ز شاعر بشنو اینک پند، به جمع عاشقان پیوند

که جان حیف است بی جانان، که سربی اوست بی سامان